

دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فقه و حقوق اسلامی

عنوان

تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه

استاد راهنما

دکتر سید مسلم حسینی ادیانی

استاد مشاور

دکتر فریبا حاجعلی

دانشجو

مبارکه بنی اسدزاده

مهرماه سال ۱۳۸۹

تقدیم به روح پر فتوح امام خمینی و جانشین بر حق ایشان مقام معظم رهبری ...

تقدیم به مرحوم پدر بزرگم...

تقدیم به تمام معلمان و اساتید من در طول این بیست سال...

تقدیم به پدر و مادر عزیزم...

تقدیم به همسرم...

تقدیم به خواهران و برادرانم...

چکیده

حکم فقهی مجسمه سازی و نقاشی از دیدگاه امامیه براساس حکمتی که در روایات آمده است و در گذشته وجود داشته مثل همانندی و تشبیه به خالق و قریب العهد بودن مردم به عصر جاهلیت و بت پرستی و نداشتن منفعت حلال حرمت بوده است.

در اسلام در راستای دعوت به توحید و یکتا پرستی و تثبیت آن در نفوس پیروانش به مبارزه بی امان با شرک و بت پرستی در همه مظاهر آن برخاسته و از جمله مجسمه سازی و نقاشی را که نوعی تداعی کننده پرستش خدایان چوبی و سنگی بوده است را حرام کرده است.

ولی با توجه به انگیزه ها و کاربردهای متنوعی که بعدها به ویژه در عصر حاضر برای این کار هنری پیدا شده که از جمله آنها استفاده در امور پزشکی و تعلیم و تعلم و بزرگداشت مشاهیر و قهرمانان ملی و دیگر منافع حلال، و از سوی دیگر با از بین رفتن انگیزه ها و کاربردهای اولیه این کار هنری حکم به حرمت آن نیاز به تأمل و تجدید نظر دارد.

پایان نامه حاضر با بررسی در ادله تحریم به این نتیجه رسیده است که این ادله از دلالت بر حرمت با توجه پیدایش شرایط نوین در این کار هنری هم در بعد انگیزه ها و هم در بعد کاربردها و پیدایش منافع محله قاصر است. و حکم به جواز مجسمه سازی و نقاشی و دیگر هنرهای مرتبط با توجه به انگیزه ها و کاربردهای جدید خالی از اشکال است.

و همچنین استفاده از مجسمه و تصویر و دیگر هنرهای مرتبط در امور آموزشی و پزشکی و خرید و فروش آن ها جهت کسب درآمد و نگهداری آنها به عنوان اثر باستانی بنابه روایاتی که در این زمینه صادر شده است جایز است.

کلمات کلیدی: تصویر، تمثال، انگیزه ها، حکم

اولیه، خرید و فروش، اقتناء و نگهداری

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۶	فصل اول: کلیات.....
۸	۱-۱ - بخش اول: تعریف واژه های تصویر و تمثال.....
۸	۱-۱-۱ - مبحث اول: واژه تصویر در لغت.....
۹	۱-۱-۲ - مبحث دوم: واژه تمثال در لغت.....
۱۰	۱-۱-۳ - مبحث سوم: واژه های تصویر و تمثال در اصطلاح.....
۱۰	۱-۱-۳-۱ - گفتار اول: اصطلاح هنری.....
۱۱	۱-۱-۳-۲ - گفتار دوم: اصطلاح فقهی.....
۱۳	۱-۲ - بخش دوم: واژه های مرتبط با لفظ تصویر.....
۱۳	۱-۲-۱ - مبحث اول: رسم.....
۱۴	۱-۲-۲ - مبحث دوم: نحت.....
۱۴	۱-۲-۳ - مبحث سوم: نقاشی، نقش برجسته.....
۱۵	۱-۲-۴ - مبحث چهارم: تزویق.....
۱۶	۱-۳ - بخش سوم: تاریخچه تصویر گری و مجسمه سازی.....
۱۶	۱-۳-۱ - مبحث اول: تصویر و مجسمه در اسلام.....
۱۹	۱-۳-۲ - مبحث دوم: نقاشی و مجسمه در ایران.....
۲۱	۱-۳-۳ - مبحث سوم: نقاشی و مجسمه در اقوام و ملل دیگر.....

- ۲۱ ۱-۳-۳-۱- گفتار اول: هنر مصر.....
- ۲۳ ۲-۳-۳-۱- گفتار دوم: هنر هند.....
- ۲۳ ۳-۳-۳-۱- گفتار سوم: هنر یونان.....
- ۲۴ ۴-۳-۳-۱- گفتار چهارم: هنر رم.....
- ۲۶ ۴ ۱ - بخش چهارم: انواع تصویر و مجسمه.....
- ۲۶ ۱-۴-۱- مبحث اول: انواع تصویر به اعتبار حیات.....
- ۲۶ ۲-۴-۱- مبحث دوم: انواع تصویر به اعتبار جسمیت داشتن تصویر.....
- ۲۷ ۳-۴-۱- مبحث سوم: انواع تصویر به اعتبار ابزار تولید.....
- ۲۹ ۵ ۱ - بخش پنجم: واژه تصویر و تمثال در متون دینی.....
- ۲۹ ۱-۵-۱- مبحث اول: آیات در بردارنده واژه تمثال و صورء.....
- ۳۲ ۲-۵-۱- مبحث دوم: آیات در بردارنده معنای تصویر و تمثال.....
- ۳۳ ۳-۵-۱- مبحث سوم: روایات مرتبط با تصویر و تمثال.....
- ۳۳ ۱-۳-۵-۱- گفتار اول: بازداشتن از تزئین خانه ها با عکس و نقش.....
- ۳۴ ۲-۳-۵-۱- گفتار دوم: صورتگری مخالفت با خدا.....
- ۳۴ ۳-۳-۵-۱- گفتار سوم: ستمکار و ملعون بودن صورتگران.....
- ۳۴ ۴-۳-۵-۱- گفتار چهارم: واداشتن مجسمه سازان به دمیدن روح در آن.....
- ۳۵ ۵-۳-۵-۱- گفتار پنجم: کراهت داشتن ائمه معصومین(ع) از تزئین خانه ها.....

- ۱-۵-۳-۶- گفتار ششم: داخل نشدن فرشتگان در خانه های آراسته به عکس..... ۳۵
- ۱-۵-۳-۷- گفتار هفتم: دستور به نابودکردن صورتهای مجسمه ها و نقش..... ۳۶
- ۱-۵-۳-۸- گفتار هشتم: نگهداری مجسمه و بازی با آن..... ۳۶
- ۱-۵-۳-۹- گفتار نهم: استفاده از فرشها و پرده های دارای صورت و نقش..... ۳۷
- ۱-۵-۳-۱۰- گفتار دهم: ساخت مجسمه و کشیدن تصویر غیر جانداران..... ۳۷
- ۱-۵-۳-۱۱- گفتار یازدهم: نماز گزاردن در لباس و انگشتر و مکان دارای نقش..... ۳۷
- فصل دوم: بررسی حکم فقهی تصویرگری و مجسمه سازی..... ۴۱**
- ۱-۲- بخش اول: انگیزه های تصویرگری و مجسمه سازی..... ۴۲
- ۱-۲-۱- مبحث اول: باورهای اعتقادی..... ۴۳
- ۱-۲-۲- مبحث دوم: علاقه و اشتیاق به امور هنری و تفریحی..... ۴۴
- ۱-۲-۳- مبحث سوم: انگیزه های دیگر برای تصویرگری و مجسمه سازی..... ۴۵
- ۱-۲-۲- بخش دوم: حکمت های تحریم صورتگری در شرع اسلام..... ۴۷
- ۱-۲-۳- بخش سوم: حکم فقهی تصویرگری و مجسمه سازی..... ۵۳
- ۱-۳-۲- مبحث اول: بررسی ادله حرمت مطلق تصویرگری..... ۵۴
- ۱-۳-۲- مبحث دوم: بررسی ادله ساخت مجسمه و نقاشی پدیده جاندار..... ۶۳
- ۱-۳-۳- مبحث سوم: بررسی ادله حرمت مجسمه مطلقاً و جواز نقاشی مطلقاً..... ۶۹
- ۱-۳-۴- مبحث چهارم: بررسی ادله حرمت مجسمه پدیده جاندار..... ۷۱
- فصل سوم: بررسی احکام مرتبط با تصویرگری و مجسمه سازی..... ۷۸**

۷۹	۱-۳- بخش اول: نگهداری و بهره برداری از تصاویر.....
۷۹	۱-۱-۳- مبحث اول: دلایل حرمت.....
۸۶	۲-۱-۳- مبحث دوم: دلایل جواز نگهداری مجسمه.....
۸۹	۲-۳- بخش دوم: معامله تصویر و مجسمه.....
۸۹	۱-۲-۳- مبحث اول: مزد صورتگری و مجسمه سازی.....
۹۰	۲-۲-۳- مبحث دوم: خرید و فروش مجسمه و نقاشی.....
۹۱	۳-۳- بخش سوم: قصد حکایت.....
۹۴	۴-۳- بخش چهارم: ساخت گروهی.....
۹۶	۵-۳- بخش پنجم: مجسمه و تصویر ناقص و کامل.....
۱۰۰	۶-۳- بخش ششم: صورتگری از فرشته و جن.....
۱۰۴	۷-۳- بخش هفتم: مسائل مستحدثه.....
۱۰۴	۱-۷-۳- مبحث اول: عکاسی.....
۱۰۵	۲-۷-۳- مبحث دوم: تولید با دستگاه.....
۱۰۶	نتیجه گیری.....
۱۰۸	فهرست منابع و مآخذ.....

مقدمه

انسان فطرتاً زیبایی خواه آفریده شده است و حواس او آنچنان با محیط اطرافش هماهنگی یافته که نغمه دلنشین و بوی خوش، دل فریب، لطافت و سرسبزی، برای او لذت‌آور و فرحبخش می‌نماید، از طرفی وقتی روح کمال‌جویی با این حس در می‌آمیزد از او انسانی آفرینش‌گر و خلاق می‌سازد. پدیده‌های جهان را گزینش کرده با احساس خود آن را بازآفرینی می‌کند و با مدد نیروی خیال از پدیده‌های هستی مقوله هنر را به نمایش می‌گذارد.

هنر تجلی احساس انسان است در قالب محسوس، زبان درون است با مخاطبانی اهل دل، حقیقت را می‌نماید بدون آنکه به وعظ و استدلال پردازد. زبانی دردمند، زیبایی‌بین، پرشور که همه آدمیان را با هر ملیت و نژادی به یکدیگر پیوند می‌دهد. تکنولوژی و تمدن به هنر توانائی می‌بخشد و آن را فراتر از مرزهای جغرافیایی به اقصی نقاط جهان انتقال می‌دهد.

اما هنر، این ودیعه الهی همچنان در میان دو قطب جان و جسم، ماده و معنا، خداجویی و کفر در نوسان بوده است و از دستبرد آفتیابی همچون نفس‌پرستی، قدرت‌مداری، استعمار و ابتذال در امان نمانده است. لذا هنر با همه عظمت و رسالتی که دارد به هنر متعهد و مسئول و نیز هنری که ابزار دست سودجویان و قدرت‌طلبان و سرمایه‌داران است تقسیم شده است. هنری که در مسیر تکامل بشری حس خداپرستی و خلیقات انسانی است هنر متعهد و دینی است و هنری که جامعه را به فساد و ابتذال و گمراهی می‌کشاند هنر مبتذل و منفی است. اینجاست که «تکلیف» سر بر می‌آورد و «فقیه» در بیان تکلیف به تکاپو می‌افتد و فقه میان بایدها و نبایدها مرز می‌سازد. گرچه پیچیدگی هنر، بیان دقیق مصادیق احکام تکلیفی، حرمتها و حلیتها را دشوار ساخته است و اگرچه کتب فقه سنتی برخی از مصادیق موجود در زمان خود را مانند خرید و فروش مجسمه و ساخت و یا نگهداری آن و تصویرگری و موسیقی و خرید و فروش آلات موسیقی و... مورد بحث قرار داده‌اند که می‌تواند دست‌مایه خوبی برای دوران حاضر باشد. اما امروزه جلوه‌های هنر به اندازه‌ای گسترده شده است که هنوز صدها پرسش در هنر فراروی مجتهد و مقلد است و تغییرات و مقتضیات زمانی و مکانی بازنگری جدیدی را در موضوع هنر می‌طلبد.

گونه‌گونی دیدگاه‌ها در مقوله های هنر به ویژه موسیقی، مجسمه‌سازی در فقه بسیار مشهود است. این نظریات امروزه جنبه کاربردی پیدا کرده است و تقابل نظریات به تقابل اعمال و رفتار مقلدین انجامیده است. و جامعه امروز این اندازه اختلاف را بر نمی‌تابد و باید هرچه بیشتر دیدگاه‌ها و راه کارهای مبتنی بر فقه سنتی و اجتهادی، اما نزدیک به واقعیت موجود، ارائه گردد تا وحدت نسبی در عملکردها نسبت به رویکردهای هنری پیش‌آید و از تقابل و تضارب عملکردها، مانعی بر راه ترقی حکومت اسلامی فراهم نیاید.

در باب هنر برخی از گونه های آن جدید و نو پیدایند و برخی دیگر در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی های بسیار مهمی شده اند که این هر دو ضرورت نگرش به هنر را ناگزیر می کند. به عنوان مثال مجسمه سازی در گذشته های دور بویژه در عصر وحی و صدور روایات با توجه به پیشینه و جو حاکم بت پرستی امکان بهره گیری صحیح از آن یا نبود و یا بسیار ناچیز می نمود، اکنون با گذشت قرن‌ها و از بین رفتن و فراموش شدن فرهنگ بت پرستی در جامعه های اسلامی از یک سو و امکان بهره وری های مباح و عقلایی از مجسمه مانند: تزئینات، حفظ آثار و تاریخ گذشته ملتها، تجلیل و تکریم بزرگان و شخصیت‌های ملی و قومی و مذهبی، انتقال پیامهای فرهنگی و دینی از سوی دیگر هر فقیه و محقق را و او می دارد تا منابع فقهی و فتاوی گذشتگان را دوباره به بوته بررسی بگذارد.

با توجه به این مقدمه این پرسش اصلی پیش می آید که حکم فقهی تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه چیست؟

تبیین موضوع پژوهش:

با توجه به اینکه در دوران های گذشته مجسمه به عنوان بت و تندیس خدایان مورد استفاده قرار می گرفته و انسان ها در برابر آنها پرستش و کرنش می کردند یا تصویرگری جهت مجسمه سازی و غیر آن در آن یک نوع تشبه و همانند کردن خود با خالق مصور وجود دارد و هیچ فایده محله دیگری بر آنها مترتب نبوده است و اسلام در راستای مبارزه با شرک همه مظاهر آن و از جمله مجسمه سازی را حرام کرده است، ولی امروزه با توجه به افزایش شعور و آگاهی انسان ها در مسائل ماوراء الطبیعی و پیدایش منفعت محله برای مجسمه در تکریم از مشاهیر علمی و ادبی و استفاده از آنها در آموزش پزشکی و سیاسی و منفعت فیلم سازی در رشد و بعد زیبایی پسندی و غلبه این منفعت بر کاربرد قبلی آنها اکنون این سؤال مطرح است که آیا در موضوع حکم تغییراتی پیش نیامده است و تغییر در انگیزه و اهداف تصویرگری موجب تغییر حکم مجسمه نشده است؟

پرسش های دیگری که در این زمینه مطرح می شود از این قبیل است:

- ۱) روایات مربوط به تصویرگری و مجسمه سازی چه دلالتی دارند؟
- ۲) احکام انواع مختلف مجسمه جماد و حیوان و مجسمه کامل و ناقص چیست؟
- ۳) قصد و انگیزه در حکم اولیه این دو هنر چه تأثیری می تواند داشته باشد؟
- ۴) حکم فقهی تصویرگری منحصر به تصویرهای ثابت است یا تصویرگری متحرک را نیز شامل

می شود؟

۵) آیا حکم فقهی تصویرگری شامل مستحدثه و نوپیدای فقهی می شود؟

فرضیات پژوهش:

- ۱) در برخی موارد نهی در روایات دال بر تحریم است و اگر این روایات از لحاظ سندی و دلالتی تمام بوده باشد تصویرگری و مجسمه سازی محکوم به حرمت است. اما در مواردی که نهی در روایات دال بر کراهت باشد می توان گفت این هنرها جایز است.
- ۲) احکام مجسمه و تصویر جمادات و مجسمه ناقص و نقش برجسته با مجسمه و تصویر کامل انسان و حیوان متفاوت است و علی رغم قسم دوم حکم قسم اول جایز است.
- ۳) بدون تردید قصد و انگیزه در حکم فقهی تصویرگری و مجسمه سازی دخالت دارد و حکم اولیه را به حکم ثانویه تغییر می دهد.
- ۴) هر حکم فقهی که بر تصویرهای ثابت بار شود به طریق اولی بر تصویرهای متحرک نیز بار می شود.
- ۵) حکم اولیه تصویرگری و مجسمه سازی شامل مسائل مستحدثه و نوپیدای حکم فقهی نمی شود بلکه تابع حکم ثانویه است.

اهداف پژوهش:

این است که گرایش به هنر و زیبایی از لوازم جدایی ناپذیر سرشت آدمی است. او افزون برشیدایی در برابر زیبایی، کنشی همیشگی برای آفرینش زیبایی در قالب و اشکال و ساختارهای گوناگون نیز داشته است. پیدایی هنرهای هفتگانه در درازنای تاریخ بشر گواه این جاودانگی است. لذا در این رساله برآنیم به بررسی احکام مجسمه سازی و تصویرگری از دیدگاه فقه امامیه بپردازیم و علاوه بر تعمیق موضوعات پیشین در کتب فقهی به طرح موضوعات نوپیدای فقهی بپردازیم.

ضرورت پژوهش:

نیز اقتضا می کند با توجه به اینکه تصویرگری و مجسمه سازی امروزه کارکردهای جدیدی پیدا کرده است تصویر و مجسمه از منظر موضوع شناسی کاملاً تنقیح گشته و انواع و اقسام آن بیان گردد. و با توجه به کارکرد های جدید و انگیزه های آن به احکام آن پرداخته شود.

پیشینه پژوهش:

شامل کتب مکاسب محرمه شیخ انصاری و امام خمینی و کتاب پیکرتراشی و نگارگری در فقه از آقای علیرضا فرحناک است که اگرچه در بردارنده نکات بسیار مفیدی در این زمینه است و در آن به طور خلاصه از حکم فقهی مجسمه سخن به میان آمده است اما نویسنده در این کتب مبحث هنر را به گونه مستقل و همه جانبه مطرح نکرده است و با توجه به کارکردهای جدید در عرصه های آموزشی و بزرگداشت مشاهیر به اهدافی غیر از تشبه به خالق و بت پرستی نگاه نکرده است.

در میان مقالات نیز انگیزه های تصویرگری و مجسمه سازی بحث نشده است و همان راه کتب مکاسب محرمه را در پیش گرفته اند.

روش شناسی پژوهش:

اطلاعات در این پایان نامه به شیوه کتابخانه ای و با روش تجزیه و تحلیل توصیفی محتوایی داده ها گردآوری شده است.

فصل اول: کلیات

موضوع این پایان نامه تصویرگری و مجسمه سازی در فقه امامیه است. قبل از ورود در بحث تبیین و بازشناسی موضوع امری لازم و ضروری است، زیرا روایات که مهمترین دلیل در بررسی حکم فقهی این موضوع است در آنها واژه صورت و تمثال به کار رفته است. بدیهی است بدون دریافت معنای این دو واژه دریافت احکام صورتگری و مجسمه سازی ناممکن است. به عبارت دیگر وقتی که معنای این واژگان کاملاً مشخص نشود نوع تصویر در روایاتی که این کلمات در آنها بدون هیچ قیدی آمده باشد مشخص نمی شود. شاید از یکسو تمامی اقسام تصویر را شامل شود یا از سوی دیگر روایات تنها قسم خاصی را مدنظر داشته باشند.

به دلیل ابهام در معنای واژه های یاد شده فقیهان در باز شناخت موضوع روایات دچار اختلاف نظر و چند اندیشگی شده اند. برخی از ایشان چون واژه تمثال را به معنای مجسمه دانسته اند روایاتی را که در آنها این واژه و دیگر واژگان مانند آن به کار رفته بیان کننده معنای مجسمه می دانند. در مقابل عده ای دیگر به این دلیل که برای واژگان یاد شده معنایی گسترده را باور دارند این روایات را افزون بر مجسمه نشان دهنده معنای نقش و نگار نیز دانسته اند.^۱ به تبع اختلاف در موضوع، عده ای از فقیهان نیز فتوای خود را مانند روایات به صورت بسیار کلی بیان کرده اند.

حال که ضرورت تعریف این واژه ها مشخص شد به بررسی این واژه ها از نظر لغت و اصطلاح می پردازیم.

^۱ . فرحناک، علیرضا، پیکر تراشی و نگارگری در فقه، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۴.

۱ - بخش اول: تعریف واژه های تصویر و تمثال

۱ - ۱ - مبحث اول: واژه تصویر در لغت

تصویر مصدر باب تفعیل از فعل صوَّر در لغت به معنای شکل و صورت بخشیدن^۱، نقاشی نمودن و صورتگری کردن^۲، صورت و تمثال^۳ است. برای واژه صورت اسم مصدر از ریشه (ص و ر) در لغت معانی مختلفی ذکر شده است که عبارتند از: شکل، هیئت، حقیقت^۴، نوع و صفت^۵، مجسمه، هرگونه صورتگری که شبیه به خلق الله است از ذات الارواح و غیر آن^۶، شکل و تمثال مجسم^۷، چیزی که عین به آن منقوش می شود^۸. جمع این مصدر صور است که بر تصاویر که به معنای تماثیل آمده است هم جمع بسته می شود^۹.

۱. حسینی واسطی زبیدی حنفی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، الرساله، بیروت، بی تا، ص ۵۴۸.

۳. سعدی، ابو حبیب، القاموس الفقه لغه و اصطلاحاً، دار الفکر، دمشق، ۱۴۲۴ق، ص ۲۱۸.

۴. حسینی واسطی زبیدی حنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۱۱۰.

۵. فیروز آبادی، القاموس المحيط، ص ۵۴۸.

۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، هلال، بی جا، ۱۹۸۹م، ج ۳، ص ۳۶۸.

۷. مدکور، ابراهیم، المعجم الوسیط، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۵۲۸.

۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۶ق، ص ۴۹۷.

۹. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۶۹.

کلمه تصویر هم در اشکال و صورت های مجسمه به کار می رود و هم در صورت های مسطح و صاف. پس تصویر در لغت عبارت است از: ساخت و ساز صورت و شکلی اعم از مجسمه یا صاف.

۱ + ۴ - مبحث دوم: واژه تمثال در لغت

تمثیل مصدر باب تفعیل از فعل مثل (نظیر در شکل و اندازه و حتی در معنا) یعنی تصویر نمودن شیء به نحوی که گویا به آن نگریسته می شود.^۱

البته گاهی تمثال به معنای اسم مفعول می آید: الشیء المصوّر یعنی چیزی که به تصویر کشیده شده است^۲، ساخته ای که به مانند یکی از آفریده های خداوند است^۳، صورت^۴، شکل نگاشته^۵، نام شمشیر اشعث بن قیس کندی^۶، صورتی که سایه دارد^۷.

جمع تمثال را تماثیل دانسته اند و آن را هم معنی با تصاویر ذکر کرده اند^۸. تماثیل یعنی صور حیوانات مصورة^۹، صورت مستقل^{۱۰}.

از سخن لغت شناسان می توان به روشنی دریافت که واژه تمثال به اشکال سایه دار

اختصاص ندارد بلکه به صورت های مسطح نیز اطلاق می گردد.

آن چنان که ملاحظه می کنیم میان واژه تصویر و تمثال تفاوتی مشاهده نمی کنیم. یعنی

واژه ای را مختص نقاشی یا مجسمه قرار نداده اند. این معنای همسان در شکل های فعلی این

واژگان نیز به خوبی هویدا است.

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دار الهجرة، بی جا، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۲۲۹.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۵۹.

۳. حسینی واسطی زبیدی حنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۶۸۲.

۴. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳، ص ۲۴.

۵. فیومی مفری، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، لبنان، ۱۹۸۷م، ص ۲۱۵.

۶. فیروز آبادی، القاموس المحیط، ص ۱۳۶۴.

۷. مدکور، المعجم الوسیط، ص ۸۵۳.

۸. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۶۹.

۹. الخدری الشرتونی اللبنانی، سعید، اقرب الموارد، دار الأسوة، بی جا، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۶۰.

۱۰. الغدیری، شیخ عبدالله عیسی ابراهیم، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیه، دار الرسول الأکرم، بیروت،

۱۴۱۸ق، ص ۸۹.

۱-۳-۴ - مبحث سوم: واژه های تصویر و تمثال در اصطلاح

۱-۳-۱-۱- گفتار اول: اصطلاح هنری

پس از بررسی معنای لغوی واژه های تصویر و تمثال، اکنون به تعریف اصطلاحی این واژگان از دیدگاه عرف هنرمندان و فقها می پردازیم. نخست دیدگاه هنرمندان را نقل می کنیم.^۱

هنر پیکره سازی یا مجسمه سازی نام شاخه ای از هنر بصری است که در جریان رشد و تغییر دائم، طیفی از فعالیتها و انواع تازه ای از اشیاء را در برمی گیرد. با این حال هنر مجسمه سازی دارای یک خصلت همیشگی و اصلی است که آن را از سایر هنرهای بصری متمایز می کند: هنر پیکره سازی آفرینش شکل سه بعدی بیانگر است. بنابراین حجم مهمترین عنصر در طرح یک مجسمه محسوب می شود.^۲

در اصطلاح می توان به صورت مختصر گفت مجسمه هر نوع اثر هنری است که که به صورت سه بعدی اجرا شده باشد.

نقاشی یعنی هنر بیان ایده ها و عواطف با آفرینش کیفیت های زیبایی شناختی معین در یک زبان بصری دو بعدی. عناصر اساسی این زبان عبارتند از: خط، شکل، رنگ، رنگ سایه و بافت.^۳

در نوشتارهای تاریخی واژه صور^۴ و تمثال به راحتی در مورد تندیس پدیده جاندار به کار رفته است. رواج این کاربرد به اندازه ای است که در برخی متون بدون نشانه و قرینه آمده است چنانکه از برخی متون دیگر می توان دریافت که کاربرد واژه صور و تمثال در مورد مجسمه و پدیده جاندار کاربردی مفروغ^۵ عنه و از پیش پذیرفته است. پیوند و یگانگی واژه صور^۶ و تمثال در معنای تندیس پدیده جاندار آن چنان است که آنها در یک موضوع به آسانی به جای یکدیگر به کار می روند.^۴

۱. پاکباز، روئین، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۸ش، ص ۱۴۸.

۲. لوسی اسمیت، ادوارد، فرهنگ اصطلاحات هنری، گشایش، فرهاد، انتشارات عفاف، تهران، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۳.

۳. پاکباز، فرهنگ معاصر، ص ۵۷۵.

۴. فرحناک، پیکرتراشی و نگارگری در فقه، ص ۵۹.

همچنین واژه صورت و تمثال به معنای نقش پدیده جاندار به کار می رود و به راستی می توان کاربرد آن را در این معنا رایج و شایع دانست آن چنان که این واژگان در گفتار و نوشتار بدون همراهی نشانه و قرینه به معنای نقش آید^۱.

واژگان صورت و تمثال در معنای مجسمه پدیده بی جان کاربردی اندک دارند که شاید به دلیل کم بودن ساخت این گونه مجسمه ها در آن دوران باشد. واژگان صورت و تمثال در معنای نقش پدیده بی جان نیز به کار می رود البته این کاربرد در واژه تمثال بسی کمتر از واژه صورت است^۲.

این یافته ها مربوط به سده های آغازین اسلام تا پیش از قرن چهارم است یعنی عصر وحی و صدور روایات و زمان نزدیک به این عصر.

همانطور که مشاهده کردید کاربرد واژگان صورت و تمثال را بدون بهره گیری از قرینه اگر نتوان در معنای تندیس پدیده جاندار دانست ، دست کم می توان آن را در تصویر موجود جاندار کاربردی رایج شمرد. به دیگر سخن می توان مصوّر در این واژگان را پدیده جاندار معرفی کرد^۳.

۱-۳-۲- گفتار دوم: اصطلاح فقهی

برخی را گمان بر آن است که تصویر در اصطلاح فقهی جاری مجرای تعریف لغوی آن است. اما نکته ای که باید دانسته گردد آنست که تصویر در حقیقت یک نوع نیست بلکه یک جنس کلی است که بر سه نوع مختلف هم از نظر ماده و هم از نظر ابزار و کیفیت مشتمل است، و از این جهت شاید نتوان هر سه قسم را در یک تعریف از نظر اصطلاح فقهی گرد آورد.

دو واژه صورت و تمثال با مشتقات آنها در کتابهای فقهی و عبارات فقها در سه مورد استعمال شده اند: در مکان و لباس نماز گزار و در مکاسب محرّمه .

در بحث مکان و لباس نماز گزار در کلمات برخی از فقیهان واژه صورت موضوع حکم قرار گرفته است و در عبارات بعضی لفظ تمثال یا مثال ذکر شده و در سخنان گروهی هم هر دو لفظ به طور عطف مورد بحث واقع شده است.

در اصطلاح فقها تمثال را این گونه معنا کرده اند: مثال و نمونه شیء یا شخصی را ایجاد کردن^۴.

^۱ . همان، ص ۶۳.

^۲ . فرحناک، پیکر تراشی و نگارگری در فقه، ص ۶۶.

^۳ . همان، ص ۶۸.

^۴ . محمدی، علی، شرح مکاسب، انتشارات دار الفکر، قم، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۸۹.

تمثال چیزی است که از سنگ یا مس و امثال آن تراشیده شده و حکایت گر آفریده های خداوند است.^۱

اصطلاح تصویر نیز بدین معنا است: صورت و شکل شخص یا شیء ای را ساختن یا کشیدن^۲، کشیدن و ترسیم نمودن شکل اشخاص یا اشیاء بر تابلو، دیوار و امثال آن به وسیله مداد، قلم مو و ابزار نقاشی است^۳، در آوردن شیء به صورتی که قبلاً آن را نداشت^۴، اعطا نمودن صورت و شکل مخصوص به یک چیز که شامل تمثال و غیر تمثال می شود.^۵

مجسمه را معنی کرده اند به چیز سایه دار یا چیزی که دارای ابعاد سه گانه یعنی طول و عرض و عمق باشد تا نقش برجسته را در بر نگیرد.

از عبارات و امثال فقها به طور خلاصه معلوم می شود که اصطلاح فقهی تصویر با معنای لغوی تقریباً متحد است، هر چند فقیهان بیشتر به برخی از اقسام و انواع تصویر مانند نقاشی و مجسمه سازی توجه کرده اند.

۱. سعدی، القاموس الفقه لغه و اصطلاحاً، ص ۳۳۶.

۲. محمدی، شرح مکاسب، ج ۱، ص ۴۸۹.

۳. مذکور، المعجم الوسیط، ص ۵۲۸.

۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتبه الامین، نجف، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۳.

۵. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، نیری بروجردی، عبد الکریم، بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی، بی جا، بی تا، ج ۳، ص ۲۱.

۴ ۱ - بخش دوم: واژه های مرتبط با لفظ تصویر

۴ ۱ - مبحث اول: رسم

رسم در لغت به معنای باقی ماندن اثر^۱، نوشتن^۲، خط دار کردن^۳ و در اصطلاح به معنای آن است که شکل و صورت افراد یا اشیاء با رنگ های مختلف توسط دست نقاشی شود^۴. از ملاحظه معنای لغوی رسم با معنای لغوی تصویر در می یابیم که نسبت آن دو عموم و خصوص مطلق است، یعنی تصویر اعم از رسم است به این معنا که هر دو در این که بر صورت سازی و به شکل درآوردن تصویر اشیاء اطلاق می شوند برابرند اما در سه جهت نیز تفاوت دارند: ۱- صورت شامل تصاویر مسطح و مجسم می شود، اما رسم فقط بر اشکال مسطح و صاف گفته می شود.

۲- صورت بر تصاویر حقیقی و خیالی و ذهنی اطلاق می شود، اما رسم فقط بر تصاویر حقیقی اطلاق می گردد.

۳- کاربردهای لغوی واژه صورت و تصویر فراوان است، اما استعمالات رسم کم و معنای نزدیک به هم دارند.

۱. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۵۲.

۲. حسینی واسطی زبیدی حنفی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، ص ۲۸۱.

۳. الخدری الشرتونی اللبنانی، اقرب الموارد، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴. وزارت اوقاف کویت، الموسوعه الفقهیه الكويتیه، ج ۱۲، ص ۹۴.